



**سپیده انتظار**

**جزوه  
آموزشها**

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام اصفهان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تهیه و تنظیم

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام اصفهان

**سپیده انتظار**

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## انتظار

### مقدمه

غیبت امام (علیه السلام)؛ بزرگترین گرفتاری عصر

انسان ها در گرفتاری های سخت تر توجه بیشتری به خدای خود دارند و هر چه گرفتاری دشوارتر و شدیدتر باشد، امید به رحمت خدا و دستگیری او در انسان بیشتر و اتکا و توجه به اسباب و وسائط، کمتر و ضعیف تر می گردد. شدت و قوت انتظار فرج نیز بستگی مستقیم به شدت گرفتاری انسان دارد. یک بیماری سخت و صعب العلاج بیش از یک بیماری معمولی انسان را گرفتار می کند و در نتیجه، حالت انتظار فرج در اولی بیش از حالت دوم است.

نکته دیگر اینکه گرفتاری در انسان یک حالت روحی و معنوی است که می تواند منشأ مادی داشته باشد یا نداشته باشد. یک بیماری خاص ممکن است از جهت شدت گرفتاری تأثیرات متفاوتی بر افراد مختلف داشته باشد؛ یکی را بیشتر و دیگری را

کمتر گرفتار کند. و این بستگی دارد به اینکه شخص از لحاظ روحی در مقابل آن بیماری چه عکس العملی نشان دهد. لذا نوع بیماری تنها عاملی نیست که شدت رفتاری را معین می کند و عامل مهمتر، تأثیر روحی بیماری بر شخص است.

پس به طور کلی میزان رفتاری انسان را تعلقات روحی و عاطفی او در یک مورد خاص تعیین می کند. هر چه این تعلقات عمیق تر و شدید تر باشد، رفتاری سخت تر و شدیدتر خواهد بود.

بهترین مثال برای این مسأله وقتی است که فرزند کوچک انسان مریض می شود. در این حالت، هر چند که پدر یا مادر خودشان مریض نشده اند، ولی در بسیاری موارد رفتاری ایشان در بیماری فرزندشان بیش از زمانی است که خود آنها بیمار می شوند. مادر که عاطفه و محبتش به فرزند معمولاً بیش از پدر می باشد، بیماری خودش را بسیار راحت تر تحمل می کند تا بیماری فرزندش را. همین مادر وقتی که فرزند شخصی دیگر را به همان بیماری مبتلا می بیند، آنچنان گرفتار نمی شود و اگر بشنود یک کودکی به آن مرض گرفتار شده، قدری از لحاظ روحی متاثر می شود ولی خیلی زود این تألم روحی از بین می رود و آن مسأله در زندگی عادی تأثیر نگذاشته و فکرش را مشغول نمی سازد.

این مسأله، مخصوص پدر و مادر نیست بلکه نزدیکی عاطفی و روحی مهم است. چه بسا کسی از لحاظ ارتباط نسبی رابطه نزدیکی با انسان نداشته باشد، ولی چون وابستگی شدید روحی با او دارد، در سختی ها و رفتاری های او، ناراحت و گرفتار می شود. نمونه بارز این مسئله قضیه معروف اویس قرنی است، او حتی یک بار هم موفق به زیارت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نشد امام وقتی دندان مبارک آن حضرت در جنگ احد صدمه دید، دندان اویس هم در یمن دچار درد شد.

با این مقدمه می توانیم به سراغ مقصود اصلی خود برویم. از مهمترین عوامل در

بحث «انتظار فرج امام عصر علیه السلام» این است که ببینیم غیبت آن حضرت چقدر انسان را گرفتار کرده است. اگر دوری از امام علیه السلام کسی را گرفتار کرد، انتظار فرج برای او معنادار می شود و هر چقدر این گرفتاری شدیدتر باشد، انتظار فرج شدیدتری خواهد داشت. هر کس به تناسب ارتباط معرفتی و روحی خود با امام زمانش، می تواند میزان گرفتاری اش را در غیبت ایشان بسنجد. ممکن است کسانی باشند که از غیبت امام خود، هیچگونه احساس گرفتاری نکنند و اصلاً برایشان مسأله آنقدر مهم نباشد که ذره ای فکرشان را مشغول سازد و آنها را به فکر چاره این درد بیندازد! آیا برای این گونه افراد، انتظار فرج امام عصر علیه السلام مطرح می شود؟!

همین افراد، اگر یک اسکناس هزار تومانی از آنها بدزدند، چه بسا ناراحت و نگران شده و فکرشان مشغول می شود که چه کار کنند، از چه کسی کمک بگیرند، دزد را چگونه پیدا کنند و... این نگرانی و دل مشغولی حداقل دقایقی طول می کشد، ولی آیا تا کنون دوری از امام زمان علیه السلام به همان اندازه آنها را گرفتار و مشغول کرده است؟! آیا برای چند لحظه فکر کرده اند که برای رفع این گرفتاری، از دست ایشان برمی آید؟!

هر چیز که اهمیت بیشتری برای انسان داشته باشد، گرفتاری اش نسبت به آن سخت تر است فکر و قلب او بیشتر مشغول می شود تا آنجا که تحمل بعضی گرفتاری ها، آنچنان برای انسان مشکل می شود که خواب و آسایش را از او گرفته و زندگانی را برایش تلخ می سازد.

شاید هر کس در زندگی خود چنین تجربه ای داشته باشد، ولی جای این سؤال وجود دارد که درد دوری از امام (علیه السلام) چه تعداد از شیعیان را این چنین گرفتار ساخته است؟ چند نفر هستند که در این مصیبت، راحتی و آسایش خویش را - هر چند موقت و محدود - از دست داده اند؟

برای کدامیک از ما اتفاق افتاده که درد فراق حضرت خواب را از ما ربوده باشد، حتی چند دقیقه؟! البته نمی توان از همه چنین انتظاری داشت. ولی آیا «خود ما» تاکنون اندیشیده ایم که چرا از فیض ظهور امامان محرومیم؟! و چرا این مصیبت تا کنون بیش از یازده قرن طول کشیده؟! برآستی این موضوع چقدر ما را به خود مشغول ساخته است؟

اگر متوجه شویم که خدای ناکرده به بیماری سرطان گرفتار شده ایم، ناگهان همه غم ها و غصه های عالم بر دلمان می نشیند و به فکر فرو می رویم که برای خلاصی از این درد چه کنیم. ولی لااقل از وقتی مفهوم غیبت را فهمیده ایم، چقدر غصه خورده ایم؟ چقدر اندیشیده ایم که این بلا از کجا به سرمان آمد و راه نجات و خلاصی از آن چیست؟

فرمایش امام باقر (علیه السلام) را شنیده ایم که فرمودند:

«إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ؛ هِرْ وَقْتِ هُدَايِ تَبَارَكَ

و تعالی بر خلق هود غضب فرماید، (امامان) را از کنار ایشان دور می سازد.»

اما آیا تاکنون اندیشیده ایم که چرا خدای متعال هنوز از «ما» انسان ها غضبناک است؟! آیا چاره ای برای خلاصی اندیشیده ایم؟ و آیا ...!!!؟

البته در همین دوران غیبت هم کم نیستند کسانی که با یاد حضرت زنده اند و شاید بدون دیدار حضرت نتوانند زندگی کنند. در احوالات سید عبدالکریم محمودی (کفاش) نقل شده که حضرت ولی عصر ارواحنا فداه هفته یک مرتبه به دیدار او تشریف می آوردند؛ یک بار حضرت از ایشان پرسیدند اگر یک هفته بگذرد و مرا نبینی چه می شود؟ سید عبدالکریم در جواب عرض کرد که به خدا قسم می میرم و حضرت گفته او را تأیید نمودند و فرمودند: به همین خاطر هر هفته موفق به دیدار ما می شوی.

## تبیین مسأله‌ی انتظار

حال که اندکی با عمق مصیبت آشنا شدیم باید بدانیم که این «گوفتاری» و «چاره اندیشی»، در «انتظار» تجلی پیدا می کند. پس درک صحیح مفهوم انتظار ضرورت می یابد و پیش از آن خوب است گذری بر پیشینه انتظار داشته باشیم.

### پیشینه انتظار

برخی دوست دارند حالت انتظار را یک مسأله روانی ناشی از حرمان، در اقصای محروم جامعه و تاریخ تفسیر کنند و یا حالت فرار به سوی تصور آینده ای بدانند که محرومان در آن بتوانند تمام حقوق از دست رفته و سیادتشان را باز پس گیرند. این، نوعی خیال بافی یا گریز از دامن واقعیت به آغوش تخیل است. بی گمان، هنگامی که در پیشینه تاریخی مسأله، نظر کنیم و گستره وسیع نفوذ آن را در عقاید دینی معروف بنگریم، چنین توجیهی برای مسأله انتظار غیر علمی و بی پایه خواهد بود.

### انتظار در مکاتب فکری غیر دینی

مسأله «انتظار»، از محدوده دین فراتر رفته و مذاهب و رویکردهای غیر دینی،

نظیر مارکسیسم را نیز شامل شده است؛ چنان که «برتراند راسل» می گویند: «انتظار، تنها به ادیان تعلق ندارد؛ بلکه مکاتب و مذاهب نیز ظهور نجات بخشی که عدل را بگستراند و عدالت را تحقق بخشد، انتظار می کشند»

انتظار نزد مارکسیست ها، مانند انتظاری است که مسیحیان بدان اعتقاد دارند. انتظار نزد «تولستوی» نیز به همان معنایی است که مسیحیان عقیده دارند؛ جز آن که این داستان نویس روسی، از زاویه ای دیگر آن را مطرح کرده است.

#### انتظار در ادیان پیش از اسلام

در عهد قدیم از کتاب مقدس آمده است:

«از وهود اشزار و ظالمان دلتنگ مباش که به زودی ریشه ظالمان بریده خواهد شد، و منتظران عدل الهی زمین را به میراث برند و آنان که لعنت شده اند، پراکنده شوند و صالحان از مردم، همان کسانی اند که زمین را به میراث برند و تا فرجام میات جهان در آن (دگی کلند».

این حقیقت، در قرآن کریم نیز تکرار شده است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»  
 بی گمان، در زبور، پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد»

#### انتظار نزد اهل سنت

انتظار «مهدی نجات بخش»، اختصاص به شیعه ندارد. روایات متواتر بسیاری درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق اهل سنت با سندهای صحیح و مستفیض وجود دارد که نمی توان در آنها تشکیک کرد؛ چنان که از طریق شیعه امامیه نیز چنین روایاتی رسیده است.

#### انتظار نزد شیعه امامیه

احادیث انتظار امام مهدی (علیه السلام) نزد شیعه امامیه، فراوان و متواتر است. برخی دانشمندان، این احادیث را به شیوه های علمی و ارزشمند گردآوری کرده اند



مانند آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی در کتاب گران سنگ «منتخب الاثر» و شیخ علی کورانی در «موسوعة الامام المهدي» و دیگران .  
 ما هم اکنون در صدد نقل یا بررسی این روایات نیستیم بلکه در این پژوهش مسأله دیگری را می جوییم و آن بحث از خود «انتظار» است .

### انتظار چیست ؟

انتظار، مفهومی اسلامی و ارزشی فرهنگی است که از آن ، رفتار فرهنگی معینی سرچشمه می گیرد .

مردم گاهی از انتظار ، برداشت منفی می کنند که در این صورت، انتظار به مفهومی برای تخدیر و مانعی برای حرکت تبدیل می شود و گاهی نیز از آن برداشت مثبت دارند که در این صورت، عاملی برای حرکت، قیام و انگیزش در زندگی مردم خواهد بود.

بنابراین ناچاریم که از مسأله انتظار تصور شفاف و دقیقی داشته باشیم و همین نکته وظیفه اساسی ما در این بخش است.

«انتظار»، فرهنگ است و مفهومی فرهنگی که در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش ما به آینده، دخالت مؤثر و فعالی دارد و در ترسیم خط سیاسی ما برای حال و آینده ، تاثیرگذار است .

نزدیک به هزار و صد سال است که انتظار، در زندگی ما ریشه فرهنگی خود را گسترده است؛ زیرا غیبت صغری در سال ۳۲۹ هـ. ق به پایان رسید و از آن تاریخ تقریباً هزار و صد سال گذشته است . در طول این مدت، مسأله انتظار به گونه ای مؤثر، در ساختار اندیشه سیاسی و انقلابی ما دخالت داشته است . اگر بدون عامل انتظار به تاریخ سیاسی و انقلابی خود بنگریم، این تاریخ بلند، جایگاه دیگری خواهد داشت.

اگر کسی در «دعای ندبه» تأمل کند، به ژرفای مسأله انتظار و میزان نفوذ آن در روح مؤمنان و اندیشه و روش فکری و انقلابی آنان، پی خواهد برد.

### انواع انتظار: انتظار نجات بر دو گونه است:

**یکم.** انتظار نجاتی که در توان انسان نیست که آن را جلو یا عقب بیندازد؛ همانند انتظاری که شخص غریق در رسیدن گروه نجات مستقر در ساحل دارد. در این حال وی آنان را می‌نگرد که برای نجات او به راه افتاده‌اند. بی‌گمان، غریق را یارای آن نیست که زمان رسیدن گروه نجات را به خود نزدیک کند.

البته این انتظار، امید به نجات را در درون او تقویت کرده و نور امید را بر تیرگی‌های یأس و ناامیدی - که از سو احاطه اش کرده - خواهد تابانید.

**دوم.** انتظاری که انسان می‌تواند آن را نزدیک گرداند و طلب کند؛ مانند بهبود یافتن از بیماری، اجرای طرحی عمرانی یا تجاری، پیروزی بر دشمن و رهایی از فقر. همه اینها ریشه در انتظار دارند و اما امر سرعت بخشیدن یا تأخیر انداختن آنها به دست خود انسان است.

پس این امکان برای انسان وجود دارد که در بهبود یافتن و شفا تعجیل کند، یا آن را به تعویق اندازد و یا حتی منتفی گرداند. چنان که امکان آن هست که در اجرای پروژه‌ای تجاری، عمرانی و علمی عجله کند، یا اجرای آن را به وقتی دیگر موکول کند و یا آن را رها سازد. همچنین این امکان برای وی هست که به سوی پیروزی بر دشمن و بی‌نیازی مالی بشتابد، یا سستی ورزد و تأخیر کند و یا از خیر آن بگذرد.

با این بیان، انتظار از نوع دوم با انتظار از نوع اولی که از آن سخن گفتیم، تفاوت دارد و بر خلاف نوع اول، در محدوده قدرت و اختیار انسان است که در تحقق آنچه انتظارش را می‌کشد، شتاب ورزد، یا درنگ و سستی روا دارد و یا عطایش را به

لقایش بخشد.

از این رو انتظار از نوع دوم، علاوه بر «امید» و «مقاومت»، به انسان «حرکت» نیز می‌بخشد و حرکت، مخصوص انتظار است. بی‌گمان اگر انسان بداند که نجات و رهایی اش به حرکت، عمل و تلاشش وابسته است آن چنان حرکت و تلاشی برای رهایی و نجات خویش به خرج می‌دهد که در گذشته، توان انجام دادن آن را نداشته است.

بنابراین اگر انتظار از نوع اول به انسان، تنها «امید» و «مقاومت» می‌بخشد، انتظار از نوع دوم به وی «حرکت» و «پویایی» نیز خواهد بخشید.

امید این قدرت را به انسان می‌دهد تا پرده حال را ببرد و آینده را ببیند، و چقدر فاصله است میان کسی که «خدا»، «هستی» و «انسان» را از خلال درد و رنج حاضر می‌بیند و کسی که همه این سه را از خلال حال و گذشته و آینده می‌نگرد. بی‌گمان تیرگی، ظلمت و ابهام و اشکالی که دیدگاه نخست را احاطه کرده، در دیدگاه دوم وجود ندارد.

امید انسان را در پایداری و مقاومت در برابر سقوط و نابودی تا رسیدن نیروهای کمکی، توانمند می‌سازد و تا زمانی که چراغ امید به رسیدن کمک در دل و جان انسان ندرخشد، مقاومتی نخواهد داشت.

امید انسان را در نیل به نجات، رهایی، نیرومندی و توانگری قادر خواهد ساخت. چنین انتظاری، همان «انتظارپویا» و برترین نوع انتظاری است که در این پژوهش ما در پی آنیم.

## نظام تغییر

این انتظار، شبیه انتظار مردم از خداوند است که کارهایشان را از بد به خوب، از

نیازمندی به بی نیازی، از ناتوانی به توانایی و از شکست به پیروزی تغییر دهد. چنین انتظاری، انتظار درست و عقلانی است؛ زیرا انسان توده ای از ضعف، عجز، فقر، نادانی و زشتی است و از خدای تعالی، انتظار می رود که همه اینها را تغییر داده و به نیرو، توان، بی نیازی، دانایی و خوبی تبدیل کند. ایرادی نیست که انسان از خدا چنین توقع و انتظاری داشته باشد، به شرط آنکه برای تحقق آن، نظام معقولی را که خدای تعالی برای چنین تغییری مقرر کرده در پیش گیرد.

تا زمانی که انسان چنین نظامی را به کار نگیرد، درست نیست که از جانب خدا توقع و انتظار تغییر داشته باشد. این نظام آن است که انسان، ابتدا در خودش تغییر ایجاد کند تا خدای تعالی، شرایط را به نفع او تغییر دهد؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد / ۱۱)

بی تردید عقب ماندگی اقتصادی و علمی، شکست نظامی و سوء مدیریت و ... از ضعف، سستی، ناامیدی و جهل نهفته در وجودمان و نبود جسارت و شجاعت، ریشه می گیرد. پس اگر ما در خودمان تغییر ایجاد کنیم، خدا نیز شرایط را به نفع ما تغییر خواهد داد. اگر ما حال خود را تغییر ندهیم، خدا نیز شرایط را به نفع ما دگرگون نخواهد ساخت. در این دو حقیقت، هیچ شک و مناقشه ای نیست. انتظار تغییر از سوی خدای تعالی، حقیقتی است قطعی؛ البته در صورتی که این انتظار با حرکت و عمل انسان همراه گردد، و به تعبیر دیگر، این همان انتظار انقلابی است.

پس خطا است که از واژه انتظار، مترصد بودن منفی را بفهمیم؛ بی آنکه خود نقش منفی یا مثبتی در آنها داشته باشیم؛ همان گونه که چشم انتظار خسوف ماه یا کسوف خورشید می مانیم. بنابراین تفسیر صحیح آن است که انتظار، «حرکت»، «کار»، «تلاش» و «عمل» است.

## تأخیر در «فرج»

فهم درست معنای انتظار - که آیابه معنای مترصد بودن است یا حرکت - به جواب درست سبب تأخیر در فرج وابسته است. در اینجا دو دیدگاه مطرح است:

**دیدگاه نخست:** اگر سبب تأخیر در فرج و ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و انقلاب جهانی فراگیر او را این بدانیم که زمین تا از ظلم و جور پر نشده است، آن حضرت ظهور نخواهد کرد؛ به ناچار «انتظار» می باید به معنای «مترصد بودن» باشد! از طرفی به روشنی می دانیم که دامن زدن به ظلم و جور و گسترش دامنه آن، از دیدگاه اسلام جایز نیست.

بر اساس این برداشت، درست نیست که به مقابله با ظلم برخیزیم؛ زیرا چنین مقابله ای دوره غیبت را طولانی تر می سازد! پس به ناچار باید منتظر بمانیم تا ظلم و جور در زندگی سیاسی، اقتصادی، نظامی و قضایی ما به حد کمال برسد و کره زمین از ظلمت ستم پر شود تا امام (علیه السلام) ظهور کند و انقلاب خود را علیه ستمگران و در حمایت از مظلومان، علنی سازد.

**دیدگاه دوم:** اگر سبب تأخیر در فرج، عدم وجود یارانی باشد که جامعه و در گستره ای وسیع تر دنیا را برای ظهور امام و قیام فراگیر او، آماده سازند و پشتیبان و تکیه گاه انقلاب امام تلقی شوند، مسأله فرق می کند.

در اینجا چاره ای جز اقدام و تجهیز و آمادگی و امر به معروف و نهی از منکر، به منظور برپایی اقتدار حق بر روی زمین و حصول فرج به سبب ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیست. در نتیجه، انتظاریه معنای «مترصد» بودن نخواهد بود؛ بلکه به معنای حرکت، اقدام و جهاد برای برپایی اقتدار حق است؛ یعنی، مفهومی که مهیا سازی زمین برای ظهور امام و قیام جهانی او را طلب می کند.

بنابر چنین برداشتی از ظهور امام (علیه السلام) و تحقق فرج به دست او، معنای انتظار

نیز از جهت مثبت و منفی، میان «مترصد بودن» و «حرکت» درنوسان خواهد بود. هم اکنون برای رسیدن به جواب صحیح، به بررسی این دو دیدگاه خواهیم پرداخت:

### بررسی نظریه نخست

۱. «پرشدن زمین از ظلم و جور»، به معنای خشکیدن چشمه توحید و عدل در زمین یا باقی نماندن مکانی برای پرستش خدا نیست! چنین چیزی محال و خلاف سنت های الهی است؛ بلکه معنای آن، طغیان و سرکشی قدرت باطل، بر ضد حق در نبرد دایمی میان حق و باطل است.

۲. ظلم و ستمی که امروزه در گستره عظیمی از زمین بر مستضعفان و بینوایان می رود و تهاجم وسیعی که علیه ارزشهای الهی می شود، شاید در تاریخ کم نظیر باشد! آنچه در گوشه گوشه دنیای اسلام بر مسلمانان می رود، بسیار وحشتناک و فراتراز ظلم و ستم و «پرشدن زمین از ظلم و جور» است؛ ولی کمتر دیده شده که افکار عمومی جهان نسبت به این ستم های وحشتناک اعتراضی داشته باشند! این بی تفاوتی از همه بدتر و زشت تر و نشانه انحطاط وجدان اخلاقی در جامعه جهانی و فرهنگ مادی بشر معاصر است. انحطاطی که جلوه اعلائی آن لیبرال دموکراسی غرب است.

۳. برخلاف انتظار برخی، گرایش دنیای امروز به سمت سقوط نظام های سیاسی، نظامی و اقتصادی ستمگراست. همه ما چگونگی سقوط اتحاد شوروی را در ظرف چندماه شاهد بوده ایم. مثل چنین کشورهایی، مانند ساختمانی است که از درون پوسیده شده و کسی قادر به نگه داری آن از ویرانی نیست. و یا انسانی که به خاطر ضعف های درونی، بر پر خاشگری روی آورده است.

طوفان تغییر، هم اکنون در آمریکا - یعنی ابر قدرت، دنیا - وزیدن گرفته و این کشور را در بعد اقتصادی، امنیتی، اخلاقی و مقبولیت، دچار زلزله های سخت و درهم کوبنده ای کرده است.<sup>۱</sup>

نظام جاهلی امروز، شمارش معکوس سقوط و فروپاشی خود را شروع کرده است؛ بنابراین از چنین نظامی، چگونه انتظار جنگ و وحشی گری بیشتری نداشته باشیم؟!

۴. آنچه در قرآن و روایات دیده می شود، این است که: «امام (ع) علیه السلام» زمین (از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است): نه بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد!

به نظر می رسد معنای جمله «پرشدن زمین از ظلم و جور»، این است که ظلم و جور چنان زیاد شود که مردم از آن، فریاد و فغان بردارند. ظلم، نقاب تبلیغاتی خود را - که نزد مردم خوب جلوه می کرد - فروافکند و چهره حقیقی اش را آشکار سازد! این تشکیلات و نظام ها در تحقق آنچه مردم را بدان وعده می دادند - رفاه، آسایش و امنیت - شکست می خورند و پس از این شکست های گسترده، مردم در جست و جوی نظامی الهی که آنان را از این ناکامی ها برهاند، به حرکت در می آیند و رهبری را می جویند که دستشان را بگیرد و به سوی خدای تعالی رهنمونشان سازد.

این شکست های پی در پی، هم اکنون در زندگی مردم یکی پس از دیگری رخ نموده است. بزرگ ترین آن با سقوط اتحاد جماهیر شوروی بوده و در سال های اخیر آشوب های تندی آمریکا را به لرزه در آورده است. هر کدام از این ناکامی ها، مردم را به سوی نظام الهی و رهبر ربانی نجات بخش سوق می دهد.

### بررسی نظریه دوم

این نظریه در فهم علل تأخیر فرج و ظهور امام (ع) علیه السلام، به علل واقعی تکیه کرده است که نخستین آنها، عدم وجود یاوران کافی از جهت کمیت و کیفیت، در میان شیعیان و انصار آن حضرت است.

بیگمان انقلابی که امام (علیه السلام) رهبری آن را به عهده خواهد داشت، انقلابی جهانی و همگانی است که مستضعفان و محرومان در آن، امامت و سرپرستی جامعه بشری را عهده دار خواهند بود.

در برخی روایات، تصریح شده، در شرق و غرب عالم جایی که در آن ندای «لا اله الا الله» طنین انداز نشود، یافت نخواهد شد. محور این انقلاب فراگیر، جز «توحید» و «عدل» نخواهد بود. چنین انقلابی، به ناچار زمینه سازی های زیادی را در سطح عالی هم از جهت کمیت و هم از جهت کیفیت (نیروها و امکانات) می طلبد. اگر این آمادگی ها ایجاد نشود، چنین انقلاب فراگیری در سنت های الهی، در تاریخ بشری به تحقق نخواهد پیوست.

### سنت های الهی و امداد غیبی

این انقلاب در رویارویی با متکبران، طاغوت ها، نظام ها و نهادهای جاهلی حاکم بر مردم، به یقین بدون امداد غیبی و پشتیبانی و تأیید الهی، به پیروزی نخواهد رسید.

در منابع اسلامی وجود چنین امدادی تأیید و چگونگی آن بیان شده است؛ البته این امداد الهی یکی از دو طرف قضیه است و طرف دیگر آن، نقش سنت های الهی در تاریخ و جامعه در تحقق این نهضت جهانی و گسترش و کمال بخشی بدان است. این سنت ها نیز بی هیچ تغییر و تبدیلی، جاری خواهند بود:

«سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»<sup>۲</sup>

درباره کسانی که پیش تر بوده اند همین ا سنت خدا جاری بوده است؛ و در

سنت الهی هرگز تغییری نخواهد یافت».

این سنت ها، تعارضی با امداد و تأیید الهی ندارد. این انقلاب در امداد دعوت



رسول خدا برای تحقق توحید در زندگی مردم است. خدای تعالی به واسطه فرشتگان نشان دارو بادها و لشکری که قابل رؤیت نبود، و نیز به سبب رعبی که در دل دشمنانش انداخت، رسولش را یاری کرد. از طرف دیگر رسولش را به فراهم کردن تجهیزات برای این جنگ سرنوشت ساز فرمان داد:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ ۚ وَهَرِّدُوهُمْ فِي رِجْلِهِمْ دَسَائِلَ الْوَسْطَانِ بِسِيحِ

كُنُودٍ...».

مراحل این نبرد نیز به موجب سنت های خدای تعالی در تاریخ و جامعه، تحقق می یافت و گاهی رسول خدا بر دشمنانش پیروز می شد و گاه این پیروزی به دست نمی آمد.

آن حضرت در این نبردها از نیروهای نظامی، امکانات مالی و سلاح های جنگی بهره می گرفت. نقشه جنگ تدارک می دید و دشمن را با وسایل مختلف و شیوه های جدید در زمان و مکان نبرد، غافلگیر می کرد و هیچ یک از این امور با امداد غیبی الهی نسبت به رسول خدا - که شکی در آن نیست - منافاتی ندارد.

انقلاب جهانی به رهبری فرزندان پیامبر خدا (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف))، از دعوت و نهضتی که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) رهبری آن را به دوش داشته، منحرف نخواهد شد. از سنت های بایسته در این انقلاب جهانی، «آمادگی» و «زمینه سازی» قبل از ظهور امام (علیه السلام) و «یاری» و «یاوران» در هنگام ظهور است. بدون این آمادگی و زمینه سازی و یاری، امکان ندارد انقلابی با این عظمت، در تاریخ انسان به ثمر برسد.

ذکر این نکته لازم است که در این رابطه دو گونه روایات وجود دارد:

گروه نخست، روایاتی است که به «زمینه سازان» (مؤطئان) تعلق دارد. اینان جامعه انسانی و کره زمین را، برای ظهور و انقلاب جهانی همگانی امام

عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می‌سازند و به طور طبیعی قبل از ظهور امام (علیه السلام) پیدا میشوند.

گروه دوم از روایات، به «انصار» اختصاص دارد. انصار امام (علیه السلام) آن حضرت را در قیام بر ضد ظالمان همراهی می‌کنند و امام (علیه السلام) رهبری آنان را در این قیام بر عهده می‌گیرد. با توجه به مطالبی که بیان شد ذکر دو نکته ضروری به نظر می‌رسد:

### یک. لزوم تصحیح مفهوم انتظار

امروز در عصری زندگی می‌کنیم که در آن بحث‌های زیادی در مورد ظهور امام عصر (علیه السلام) رد و بدل می‌شود. در عصرهای تاریخی دور و نزدیک خودمان، دوره ای را سراغ نداریم که مردم به گستردگی امروز، از ظهور امام (علیه السلام) و دولت او سخن گفته و توجه نشان داده باشند. بنابر این، «انتظار» از مشخصه‌های بارز عصر ما است. اما متأسفانه اصلاح و ارشادی در سطح عموم درباره مسأله انتظار صورت نگرفته است! جوانان ما مسأله ظهور امام عصر (علیه السلام) و علایم ظهور او را، صرفاً در لابه لای کتاب‌ها می‌جویند. چنین رویکردی صحیح نیست؛ بلکه درست آن است که ظهور امام و انقلاب جهانی به رهبری او را در متن زندگی سیاسی و اجتماعی خودمان جست و جو کنیم.

علامت‌های ظهور امام (علیه السلام) به میزانی که ما در متن زندگی سیاسی و فرهنگی معاصر - در آگاهی، مقاومت، وحدت کلمه، انسجام سیاسی، فداکاری، توانایی‌های انقلابی و سیاسی و تبلیغاتی مان - می‌یابیم، در کتابها بیان نمی‌شود.

شیوه جوانان مادر پژوهش از نشانه‌های ظهور امام (علیه السلام) از لابه لای کتاب‌ها، شیوه‌ای کاملاً منفی است. باید مفهوم انتظار را تصحیح کنیم و آن را به سمت مثبت جهت دهیم.

فرق دو مفهوم این است که مفهوم نخست، نقش انسان را در مسأله انتظار، منفی

جلوه گر می سازد؛ اما مفهوم دوم، این نقش را در روند ظهور امام (علیه السلام) مثبت و فعال و مرتبط با زندگی و وضعیت سیاسی و انقلابی و درد و رنج ما قرار می دهد. معمر بن خلداد از حضرت ابی الحسن (علیه السلام) در تفسیر سخن خدای تعالی

« أَلَمْ أَحْسَبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ »؛ نقل کرده است:

« يُفْتَنُونَ كَمَا يُفْتَنَ الذَّهَبُ، ثُمَّ قَالَ: يُخْلَصُونَ كَمَا يُخْلَصُ الذَّهَبُ؛<sup>۵</sup> مردم آزمایش

می شوند، همان طوری که طلا آزمایش می شود. سپس فرمود: نافع الصی مردم گرفته می شود، چنان که طلا را نافع می سازد»

منصور صیقل می گوید: من و حارث بن مغیره نشسته بودیم و [درباره ظهور امام عصر (علیه السلام)] باهم سخن می گفتیم که امام صادق (علیه السلام) سخنان ما را شنید آن حضرت به ما فرمود:

«فِي أَي شَيْءٍ أَنْتُمْ هَاهُنَا؟ هِيَاتَ لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَعْدُونَ إِلَيْهِ أَعْيُنُكُمْ حَتَّى تَمَيِّزُوا؛

برای چه اینجا نشسته اید؟ دروغ! نه به خدا قسم آنچه که انتظارش را می کشید، واقع نخواهد شد، مگر آنکه متمایز (آزمایش) شوید».

منصور از امام صادق (علیه السلام) نقل میکند:

«يَا مَنْصُورُ! إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ أَيَّاسٍ، لَا وَاللَّهِ حَتَّى يَمَيِّزُوا، لَا وَاللَّهِ حَتَّى

يَشْقَى مَنْ يَشْقَى وَ يَسْعَدُ مَنْ يَسْعَدُ؛<sup>۶</sup> ای منصور! ظهور امام (علیه السلام) واقع نمی شود،

مگر پس از ناامیدی. نه به خدا مگر آنکه متمایز شوند؛ نه به خدا مگر آنکه شقی و نیک بخت هر دو خود را نشان دهند».

بنابر این، ارتباط ظهور امام عصر (علیه السلام) با علم، زندگی، گرفتاری و درد،

نیکبختی و بدبختی ما بیشتر از ارتباط آن با نشانه های کیهانی ذکر شده در کتاب

هاست و این، مفهومی است که باید با ژرف اندیشی و روشنگری به آن بنگریم.

**دو. منتظر کیست؟**

بر اساس مفهوم ذکر شده، مسأله بر عکس می‌شود و امام (علیه السلام) منتظر حرکت و مقاومت و جهاد ما خواهد بود؛ نه ما منتظر ایشان. مسأله ظهور امام (علیه السلام) هنگامی که با واقعیت‌های سیاسی و انقلابی ما مرتبط باشد، بی‌گمان این ماییم که این واقعیت‌ها را تحقق می‌بخشیم. بنابر این می‌توانیم دو گونه عملکرد در این رابطه بروز دهیم: یا آنکه با اقدام، حرکت، اتحاد، نظم تشکیلاتی، فداکاری و امر به معروف، زمینه قیام آن حضرت را فراهم سازیم و یا آنکه کار را به عهده دیگران گذاشته و خود از هر گونه اقدامی شانه خالی کنیم و از رویارویی با مسئولیت‌ها بگریزیم. با توجه به این نکات شأن و جایگاه جمهوری اسلامی در فرایند ظهور روشنتر می‌شود.

# ارزش انتظار

باتوجه به آنچه درباره روح انتظار و شخصیت منتظر گفته شد، بهتر می توانیم درباره ارزش انتظار و فضیلت منتظر سخن بگوییم. روح انتظار وادی امنی است که هرکس به آن برسد و آن را حفظ کند، از آسیب ها، دغدغه ها و نگرانی ها آسوده می شود. او از نظر رشد انسانی و کمالات وجودی به درجه ای می رسد که ارزش شخصیت و نیز ارزش کارهایش را به راحتی نمی توان محاسبه کرد، بلکه اصلاً نمی توان حساب کرد. برای این که این حقیقت بیشتر روشن شود، چند روایت در این باره می خوانیم؛ امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي قُسْطَاطِهِ لَا بَلَّ كَانَ كَالضَّارِبِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالسَّيْفِ؛

هرکس در حالی که منتظر این امر (ظهور) باشد، بمیرد، مانند کسی است که همراه قائم در قیامه اش باشد. نه، بلکه مثل کسی است که پیشاپیش (همراه) رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) با شمشیر جهاد کرده است»<sup>۱</sup>.

در واقع آن چه مهم است، این است که انسان در درون به درجه منتظر برسد و

روح انتظار را کسب کند و آن را تا پایان عمر با خود حفظ کند و وقتی به چنین درجه ای رسید، دیگر فرق نمی کند ظهور را درک کند یا نه. اگر درک کرد، به اقتضای روح انتظار به وظیفه خود عمل می کند و اگر درک نکرد، چون در نیت خود صادق و ثابت قدم بوده، خداوند همه آنچه را که موقع ظهور نصیب او می شود، به او عطا خواهد کرد.

امام باقر (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«مَا ضَرَّ مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِأَمْرِنَا أَلَّا يَمُوتَ فِي وَسْطِ قُسْطِ الْمَهْدِيِّ وَعَسْكَرِهِ

کسی که در انتظار امر ما (فرج) بمیرد، از این که در میان فیمه مهدی (علیه السلام) و لشکر او نمرده، ضرر نکرده است.»

امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛<sup>۲</sup> مُنْتَظِرُ أَمْرِنَا (ظهور) مانند کسی

است که در راه خدا در خون غلتیده است.»

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید:

«الْمُنْتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ

وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلِهِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ

بِمَنْزِلِهِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالسَّيْفِ أَوْلِيَّكَ الْمُخْلِصُونَ

حَقًّا وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا؛ بهترین مردم هر زمان منتظران

ظهور او هستند (بیرا خداوند عقل و فهم و شناسایی به آن ها داده که غیبت در نزد آن ها

مکرم مشاهده (ظهور) دارد. خداوند آن ها را در آن زمان مانند کسانی قرار داده که با

شمشیر در پیش روی پیغمبر (علیه دشمن) جهاد کرده اند آن ها مخلصان موقی و

شیعیان راستگوی ما و دعوت کنندگان مردم به دین خدا به طور آشکار و نهان هستند.»<sup>۳</sup>

این حدیث شریف بهترین ملاک برای سنجش ارزش خود و ارزش کارهای خود

برای ماست. به عبارت دیگر ارزش هر کسی به این است که تا چه حدی از روح انتظار برخوردار باشد و تا چه میزان با امام زمان خود پیوند داشته باشد.

هر کس امام زمان (علیه السلام) در زندگی او بیشتر حضور داشته باشد و اهدافش در زندگی با اهداف حضرت نزدیکی و سنخیت بیشتر داشته باشد، ارزش شخصیتی بیشتری دارد، چرا که ارزش هر کس به ارزش امام و الگوی او بستگی دارد.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزَعْ قَلْبُهُ بَعْدُ بِالْهِدَايَةِ؛ فَوْشًا بِه مَالٍ كَسَىٰ كَمَا فِي زَمَانِ غَيْبَتِ قَائِمِ بِنَا هُنَا زَنْدُو قَلْبِ هِدَايَتِ شَدَّةِ اَشِّ بِه سَوَىٰ بَاطِلٍ مِثْلَ لَعْنَةٍ.»<sup>۴</sup>

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ فَيَا طُوبَى لِلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ؛

زمانی بر مردم می آید که امام آنها از دیدگان آنها غایب است. پس فوشا به مالت کسانی که در آن زمان بر امر ما ثابت باشند.»<sup>۵</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ بِأَلَاتِرِينَ عِبَادَتِ انْتِظَارِ فَرَجِ اسْت.»<sup>۶</sup>

امام سجاده (علیه السلام) می فرمایند:

«مَنْ ثَبَّتَ عَلَى وِلَايَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ

أَحَدٍ؛

هر کس بر ولایت ما اهل بیت در زمان غیبت قائم ما استوار بماند، فداوند به او اجر هزار شهید مثل شهدای بدر و احد را عطا می کند.»<sup>۷</sup>

مسلم است که ارزش اعتقاد، وفاداری، صبر، محبت و خدمت نسبت به حضرت در دوران غیبت او بسیار بالاتر از ارزش اینها در دوران ظهور حضرت می باشد. داشتن

چنین چیزهایی در دوران غیبت حاکی از داشتن یک روح بزرگ و رشد یافته است. معصومین (علیهم السلام) بارها ضمن بیان ارزش روح انتظار و منتظر این نکته را نیز مورد تاکید قرار داده اند که همه این ارزش ها و درجات به این جهت است که در دوران غیبت حضرت به وجود آمده است و گر نه در دوران ظهور حضرت و ارتباط با وی، داشتن چنین حالاتی کار سخت و مهمی نیست. با توجه به آن چه که درباره ارزش منتظر و انتظار و نیز ارزش حفظ ایمان و خدمت به حضرت در دوران غیبت گفته شد، این نتیجه را می توانیم بگیریم که حضرت دو نوع ظهور دارد:

### انواع ظهور

**یکم:** انواع ظهور برای دوستان و منتظران خاص که با همت و تلاش و مجاهدتشان، موانع ظهور از قبیل گناه و ضعف ایمان در درونشان از بین رفته است. چنان که خود حضرت (علیه السلام) مهمترین عامل پوشیده بودنشان از شیعیان را، گناهان آن ها و انجام کارهای که خوشایند، بیان می دارند و چنین می فرمایند:

«ما را از آن ها پوشیده نمی دارد، مگر همان چیزهایی که از آن ها به ما می رسد و

ما دوست نداریم و از آنها انتظار نداریم».<sup>۸</sup>

آن چه حضرت را که «خورشید تاریکی ها» ست به «خورشید پشت ابر» تبدیل کرده و مردم را از بهره بری کامل از وجود مبارکش محروم نموده است، گناهان خود آنهاست که به فرمایش خود حضرت، عامل غیبت و پوشیده بودن ایشان از مردم است. یعنی ابر و پرده غیبت را خود ما با گناهان ظاهری و باطنی مان به وجود آورده ایم و الا خورشید که عیان است و نور محض و روشنائی بی دریغ. اواز اینکه ما به حضورش برسیم و نیز جمال مقدس، نورانی و دلربایش را ببینیم، هیچ دریغی ندارد.



گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است<sup>۹</sup>

بنابراین پوشیدگی حقیقی و غیبت از ماست نه از او .

چگونه غایبش خوانی و دورش

تویی غایب که دوری در بر وی

سبل بر دیدگانت گشته تیره

تنها با تقوا و تزکیه نفس از گناهان و آلودگی ها و تعلقات باطل است که

می توانیم به ظهور قبل از ظهور و نیز به فرج قبل از فرج نایل شویم .

بنابر این وقتی که منتظران و دوستان ویژه حضرت گناهی نمی کنند و کاملاً از

کارهایی که مورد رضایت و انتظار حضرت نیست، پرهیز می کنند دلیلی برای پوشیده

بودن حضرت و غایب بودنشان از آن ها وجود ندارد. از طرف دیگر آن ها از نظر

یقین به جایی رسیده اند که به تعبیر حضرت سجاد (علیه السلام) غیبت حضرت برای آن

ها به منزله ظهور حضرت است<sup>۱۱</sup> و با ظهور چیزی به یقین و ایمان آن ها به حضرت

اضافه نمی شود.

**دوم)** ظهور عام برای تمامی مردم جهان در هنگامی که تمامی موانع ظهور بر

طرف گردد همه آنچه گفته شده به خاطر ویژگی های منحصر به فرد انتظار

مهدی (علیه السلام) است پس جا دارد نمی نگاهی به این ها داشته باشیم .

### ویژگی های انتظار مهدی (علیه السلام)

گفتیم که «انتظار» امری فطری است و برای همگان در هر قوم و آیینی که باشند

وجود دارد اما انتظارهای معمولی که در جریان زندگی افراد و حتی جامعه ها وجود

دارد هر اندازه بزرگ و با اهمیت باشد در مقایسه با انتظار موعود جهانی، کوچک و

بی مقدار است زیرا که انتظار ظهور او ویژگی های خاص خود را دارد.  
 انتظار مهدی (علیه السلام) انتظاری است که از ابتدای عالم آغاز شده است یعنی از  
 زمان های بسیار دور، انبیاء و اولیاء نوید ظهور او را داده اند و در زمان های نزدیک  
 تر، همه امامان ما، آرزوی روزگار دولت او را داشته اند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«اگر او را درک می کردم، تمام عمر به او خدمت می کردم.»<sup>۱۳</sup>

انتظار مهدی (علیه السلام) انتظار مصلح جهانی است. انتظار حکومت عدل جهانی  
 است و انتظار تحقق همه خوبی ها است. در این انتظار، بشریت چشم به راه است تا  
 آنچه را بر اساس فطرت پاک خدایی، در آرزوی آن بوده و هیچگاه به صورت کامل به  
 آن دست نیافته است، ببیند و مهدی (علیه السلام) همان است که عدالت و معنویت،  
 برادری و برابری، عمران و آبادی زمین و امنیت و صلح و عصر شکوفایی عقل و  
 دانش بشری را برای انسان ها به ارمغان می آورد و بر چیدن بساط استعمار و بردگی  
 انسان ها و نفی هر گونه ستم و ستمگری و رهایی اجتماع از انواع فسادهای اخلاقی،  
 ره آورد حاکمیت اوست.

انتظار مهدی (علیه السلام) انتظاری است که تنها با فراهم شدن زمینه های شکوفایی  
 آن، خواهد شکفت و آن زمانی است که همه انسان ها در طلب منجی و مصلح آخر  
 الزمان باشند. او می آید تا با همکاری و همیاری یارانش علیه بدی ها قیام کند نه  
 اینکه تنها با معجزه کار جهان را سامان دهد.

انتظار مهدی (علیه السلام) در منتظرانش شوق یاری و همراهی او را ایجاد می کند و  
 به انسان هویت و حیات می بخشد و او را از پوچی و بی هدفی نجات می دهد.

آنچه گفته شد بخشی از ویژگی های آن انتظاری است که به وسعت همه تاریخ  
 است و ریشه در جان همه انسان ها دارد و هیچ انتظار دیگری به خاک پای این

انتظار سترگ نمی‌ارزد. بنابر این جا دارد که ابعاد انتظار مهدی (علیه السلام) را بشناسیم و درباره وظایف منتظران ظهور او سخن بگوییم.

## ابعاد انتظار

انسان از زوایای مختلف دارای ابعاد گوناگون است: از سویی از بعد نظری و علمی برخوردار است و از سوی دیگر دارای بعد فردی و اجتماعی است و از زاویه ای دیگر در کنار بعد جسمی، بعد روحی و روانی دارد. بدون تردید در همه ابعاد یادشده نیاز به چارچوب مشخصی است تا در قالب آن راه صحیح زندگی باز شود و مسیرهای انحرافی به روی آدمی بسته گردد. و آن راه درست همان مسیرانتظار است. انتظار موعود جهانی در همه ابعاد زندگی منتظر تأثیر می‌گذارد. در بعد فکری و نظری که زیر بنای اعمال و رفتار انسان است، باورهای اساسی حیات آدمی را در حصار خود حفظ می‌کند. به بیان دیگر انتظار صحیح می‌طلبد که منتظر، بنیان‌های اعتقادی و فکری خود را تقویت کند تا در دام مکتب‌های انحرافی گرفتار نشود و یابه خاطر طولانی شدن دوره غیبت امام عصر (علیه السلام) به چاه یأس و ناامیدی سقوط نکند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام ایشان غایب خواهد شد پس فوشا به مال

آنان که در آن زمان، بر امر (ولایت) ما ثابت و استوار بمانند.»<sup>۱۳</sup>

یعنی در دوره غیبت که دشمنان با انواع شبهه‌ها می‌کوشند تا اعتقادات درست شیعیان را از بین ببرند به برکت قرارگرفتن درسنگر انتظار مرزهای عقیدتی حفظ می‌شود.

در بعد عملی، انتظار به همه اعمال و رفتار انسان جهت می‌دهد. منتظر باید در میدان عمل بکوشد تا زمینه‌های ظهور دولت حق فراهم گردد. بنابر این، منتظر در این

بخش هم به ساختن خود و هم به سامان دادن جامعه همت می گمارد. در بعد فردی هم به حیات روحی و روانی خود و کسب فضیلت های اخلاقی روی می آورد و هم به تقویت جنبه جسمی و بدنی می پردازد تا نیرویی کار آمد برای جبهه نور باشد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«...کسی که دوست دارد از (یا) ان قائم (علیه السلام) باشد پس منتظر باشد و در حال انتظار پرهیزکاری پیشه کند و به املاق نیفتد آری است»<sup>۱۴</sup>

ویژگی «انتظار» آن است که آدمی را از محدوده خود فراتر می برد و او را با تک تک افراد جامعه مرتبط می سازد. یعنی انتظار نه تنها در زندگی فردی منتظر مؤثر است که در حوزه رابطه فرد با جامعه نیز طرح و برنامه دارد و او را به تأثیر گذاری مثبت در جامعه و او می دارد و از آنجا که شرط ظهور دولت حق آمادگی جمعی است، هر کسی به اندازه خود برای اصلاح جامعه می کوشد و در برابر ناهنجاری های اجتماعی ساکت و بی تفاوت نمی ماند، چرا که منتظر مصلح جهانی در اندیشه و عمل، مسیر صلاح و راستی را طی می کند.

کوتاه سخن اینکه «انتظار» جریان مبارکی است که در تمام مویرگهای حیات فرد و اجتماع منتظر جاری است و در همه عرصه های زندگی، رنگ الهی به انسان و حیات او می بخشد و چه رنگی از رنگ الهی بهتر و ماندگارتر؟!

قرآن کریم می فرماید:

«... صِبْغَةَ اللَّهِ و مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً...» (نک الهی (بگیرید) و چه چیز از رنگ الهی داشتن

لیکوتر است؟<sup>۱۵</sup>

با توجه به آنچه گذشت، وظایف منتظران مصلح کل، چیزی جز همان «رنگ خدائی داشتن» نیست که به برکت انتظار در جای جای زندگی فردی و جمعی آنها جلوه گر می شود. و با این نگاه، دیگر آن وظایف بر دوش ما - منتظران - سنگینی نخواهد داشت بلکه به عنوان جریان شیرینی که به همه زوایای زندگی ما معنی و

مفهومی زیبا بخشیده است، به حساب می آید. به راستی اگر فرمانروای ملک مهربانی و امیر کاروان مهرورزی تو را به عنوان سربازی شایسته برای خیمه ایمان خواسته باشد و حضور تو را در سنگر حق، انتظار کشد، چگونه خواهی بود؟ آیا باید بر تو تکالیفی راتحمیل کنند که چنین و چنان باش و این کار و آن کار را انجام ده یا تو خود راه انتظار را شناخته ای و برای همان مقصدی که برگزیده ای گام خواهی زد.

## وظایف منتظران

در روایات و بیانات پیشوایان دین ، وظایف فراوانی برای منتظران ظهور بیان گردیده است که در اینجا برخی از مهم ترین آنها را بیان می کنیم.

### شناخت امام

پیمودن جاده انتظار بدون شناختن امام منتظر ممکن نیست . استقامت و پایداری در وادی انتظار وابسته به درک صحیح از پیشوای موعود است . بنابراین علاوه بر شناخت امام به اسم و نسب ، لازم است نسبت به جایگاه امام و رتبه و مقام او نیز آگاهی کافی بدست آورد .

« ابو نصر که از خدمتگذاران امام حسن عسکری (علیه السلام) است ، پیش از غیبت امام مهدی (علیه السلام) به حضور آن حضرت می رسد. امام مهدی (علیه السلام) از او می پرسد : آیا مرا می شناسی ؟ پاسخ می دهد : آری ، شما سرور من و فرزند سرور من هستید امام (علیه السلام) می فرماید : مقصود من چنین شناختی نبود ؟ ابو نصر می گوید : ( مقصود شما چیست ) خودتان بفرمایید.»

امام (علیه السلام) می فرماید: «من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خداوند به (برکت) من بلا را از فاندان و شیعیانم دور می کند.»<sup>۱</sup>

اگر معرفت امام برای منتظر حاصل شود، او از هم اکنون خود را در جبهه امام می بیند و احساس می کند که در خیمه امام و کنار او قرار گرفته است. بنابراین لحظه ای در تلاش برای تقویت جبهه امام خویش کوتاهی نمی کند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرَ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ»<sup>۲</sup>؛

گفتنی است که این معرفت و شناخت چنان مهم است که در کلام معصومین آمده که برای بدست آوردن آن، لازم است از خداوند طلب یاری شود.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«در زمان غیبت طولانی امام مهدی، باطل گرایان (در اعتقاد و دین خود) به شک و تردید گرفتار می شوند. (زاره)، از یاران خاص امام گفت: اگر آن زمان را شاهد بودم چه عملی انجام دهم؟»

امام صادق (علیه السلام) فرمود: ... این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ»<sup>۳</sup>.

آنچه تاکنون مطرح شد معرفت نسبت به جایگاه امام در مجموعه نظام هستی است. او حجت پروردگار و جانشین به حق پیامبر و پیشوای همه مردم است که اطاعت از او بر همگان واجب است چرا که اطاعت از او همان اطاعت از خداست. یکی دیگر از ابعاد معرفت امام، شناختن سیره و صفات امام است و این بعد از

شناخت، تاثیر عملی گسترده ای در رفتار و خلق و خوی منتظر می گذارد و بدیهی است که هر اندازه معرفت انسان به زوایای گوناگون زندگی امام و حجت الهی بیشتر و عمیق تر باشد، آثار آن در بخش های گوناگون زندگی او بیشتر خواهد بود.

### الگو پذیری

وقتی معرفت به امام و جلوه های زیبای رفتاری آن بزرگوار به دست آمد، سخن از پیروی و الگو گرفتن از آن مظهر کمالات به میان می آید.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«فوشا به مال آنکه قائم فاندان مرا درک کند در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان، اعلام بیزاری کرده باشد. آنان دوستان و همراهان من و گرامی ترین امت من، در نزد من هستند.»<sup>۱</sup>

به راستی آن کس که در تقوا، عبادت، ساده زیستی، سخاوت، صبر و همه فضائل اخلاقی دنباله رو امام و مراد خویش است چه رتبه بلندی نزد آن رهبر الهی خواهد داشت و آنگاه که به حضور مقدسش بار یابد چه سربلند و سرافراز خواهد بود؟!

آیا جز این است که منتظری که در طلب زیباترین پدیده عالم است خود را به خوبی ها می آراید و از زشتی ها و رذائل اخلاقی دور می کند و در مسیر انتظار همواره مراقب افکار و اعمال خویش است؟! و گرنه افتادن به دام بدیها رفته رفته فاصله او و معشوق خوبان را زیادتر خواهد کرد و این حقیقتی است که در بیان هشدار دهنده آن امام موعود آمده است:

« فَمَا يَحِبُّنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛

هیچ چیز ما را از شیعیان جدا نکرده است مگر آنچه از کارهای ایشان که به ما

می رسد. اعمالی که خوشایند ما نیست و از شیعیان انتظار نداریم!»

نهایت آروزی منتظران آن است که در برپایی دولت مهدوی و حکومت عدل جهانی



سهمی داشته باشند و افتخار یاوری و همراهی آخرین حجت حق را بدست آورند ولی مگر نیل به چنین سعادت بزرگی جز با خودسازی و آراستگی اخلاقی میسر است؟! <sup>۶</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ

هُوَ مُنْتَظَرٌ»

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم (علیه السلام) باشد باید منتظر باشد و در مال

انتظار به پرهیزکاری و افاق نیکو رفتار نماید. <sup>۶</sup>

و روشن است که در مسیر تحقق چنین خواسته ای هیچ الگو و نمونه ای برتر از

آن امام بزرگوار که آینه تمام زیبایی هاست یافت نمی شود.

### یاد امام

آنچه منتظران را در کسب معرفت امام و پیروی از آن بزرگوار یاری می دهد و

پایداری در راه انتظار را به دنبال دارد، پیوستگی و ارتباط مداوم با آن طیب جان ها است.

به راستی وقتی آن امام مهربان امت همیشه و همه جا به حال شیعیان<sup>۷</sup> خود نظر

دارد و لحظه ای آنها را از یاد نمی برد، آیا رواست که دلدادگان روی او به دنیا و

تعلقات آن سرگرم شوند و از آن عزیز، غافل و بی خبر بمانند؟ یا راه و رسم دوستی

و محبت آن است که در همه حال او را بر خود و دیگران مقدم بدانند. وقتی بر

سجاده دعا می نشینند، از او آغاز نمایند و برای سلامتی و فرج آن حضرت دعا

کنند که آن بزرگوار خود فرمود:

«برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما در همان است.» <sup>۷</sup>

و همواره باید زمزمه کنند:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَّوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ السَّاعَةِ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا ؛

هدایا برای ولی خود، مهجۀ بن الحسن که درود تو بر او و ماندنش باد در این ساعت و در همه ساعات سرپرست و نگهدار و رهبر و یاور و راهنما و دیده بان باش تا (آن زمان که) او را در زمین خود با میل و رغبت جای دهی و مدتی طولانی او را در زمین بهره مند سازی.»  
منتظر حقیقی، در هنگام صدقه دادن، ابتدا سلامتی وجود شریف امام خود را در نظر می گیرد و به هر بهانه دست توسل به دامن پر مهر او می زند و به اشتیاق ظهور مبارک او و یدن جمال بی مثالش ناله سر می دهد: «عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لِأَثْرَى ؛<sup>۸</sup>

سفت است بر من که همه را ببینم و تو دیده نشوی !!»

رهرو راه انتظار در مجالسی که به نام آن محبوب دلها تشکیل می شود، حضور می یابد تا ریشه های محبت او را در دل خود محکم تر کند و به مکان هایی مانند مسجد سهله و مسجد جمکران و سرداب مقدس که منسوب به امام عصر علیه السلام است، رفت و آمد می کند.

و از زیباترین جلوه های یاد امام مهدی (علیه السلام) در زندگی منتظران ظهورش آن است که هر روز با او تجدید عهد کرده و پیمان وفاداری ببندند و استواری خود را بر آن عهد اعلام کنند. در فرازی از دعای عهد چنین می خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي لِأَحْوَالِ عَنَّا وَ لَا أَزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّائِبِينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ ؛<sup>۹</sup>

بار فدایا من در بامداد این روز و تمام دوران زندگیم ، عهد و پیمان و بیعتی را که از آن حضرت برگردن دارم با او تجدید می کنم ، که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم و بر آن پایدار بمانم . باز فدایا مرا از یاران و کمک کاران آن حضرت و مدافعان از مریم مقدس او و شتاب کنندگان به سوی او برای انجام فواسته هایش و اطاعت کنندگان از دستاورتش و حمایت کنندگان از وجود شریفش و سبقت جوین به سوی فواسته اش و شهیدان در رکاب حضرتش قرار ده .»

اگر کسی پیوسته این عهد را بخواند و از عمق جان به مضامین آن پای بند باشد ، هرگز به سستی گرفتار نمی شود . و در تحقق آرمان های امام خود و زمینه سازی برای ظهور آن بزرگوار لحظه ای از پای نمی نشیند . و به راستی که شایسته حضور در میدان یاری آن ذخیره الهی خواهد بود .

امام صادق ( علیه السلام ) فرمود :

« هر کس چهل روز ، بامداد فدا را با این عهد بخواند از یاوران قائم ما خواهد بود . اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد ، خداوند او را از قبرش بیرون آورد (و قائم ( علیه السلام ) را یاری دهد) ...»

### وحدت و همدلی

از وظایف تک تک افراد قبیله انتظار که بگذریم ، جمعیت منتظران نیز باید طرح و برنامه ای داشته باشند که در راستای اهداف امام و حجت الهی باشد به بیان دیگر اجتماع منتظر لازم است که تلاش و حرکت خود را در مسیر رضایت رهبر موعود قرار دهد . بنابراین جامعه منتظر بر آن است که عهد و پیمان خود با امام را به انجام رساند تا زمینه مناسب برای ظهور دولت مهدوی فراهم شود .

امام عصر ( علیه السلام ) در یکی از بیانات خود به چنین جمعیتی این گونه بشارت داده است:

«اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را در راه اطاعتش یاری دهد - در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده، یگدل و مصمم باشد. البته نصمت دیدار، از آنان به تافیر نمی افتد و سعادت ملاقات ما برای آنها با معرفت کامل و راستین، تصبیل می گردد»<sup>۱۱</sup>

و آن عهد و پیمان همان است که در کتاب خدا و سخنان نمایندگان خدا آمده است که مهمترین آنها را بیان می کنیم:

**یکم** - تلاش در جهت پیروی از امامان و دوستی با دوستان ائمه و بیزاری جستن از دشمنان آنها.

امام باقر (علیه السلام) از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:

«هوشا به مال آنکه قائم فاندان مرا درک کند در حالی که پیش از قیام، از او پیروی کرده باشد. با دوستان او دوستی و با دشمنان او دشمنی نموده باشد. آنها رفیقان من و اهل دوستی و محبت من و گرامی ترین امت من نزد من در روز قیامت هستند»<sup>۱۱</sup>

**دوم** - جمعیت منتظران در مقابل بدعت ها و انحراف ها در دین و رواج منکرات زشتی ها در سطح جامعه بی تفاوت نیستند و نیز در برابر فراموش شدن سنتهای نیکو و ارزشهای اخلاقی از خود واکنش نشان می دهند.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که فرمود:

«البته در پایان این امت (دوره ی آخر الزمان) گروهی فوهند بود که پاداش آنها همانند اجر امت اول اسلامی فوهد بود. آنها امر به معروف و نهی از منکر می کنند و با اهل فتنه و فساد می جنگند»<sup>۱۲</sup>

**سوم** - جامعه منتظر در برخورد با دیگران وظیفه دارد که تعاون و همکاری را سر فصل برنامه های خود قرار دهد. و افراد این جامعه به دور از تنگ نظری و خود محوری، پیوسته حال فقراء و نیازمندان جامعه را پی گیری می کنند و از آنان بی خبر نمی مانند. گروهی از شیعیان از امام باقر (علیه السلام) در خواست نصیحت کردند،

حضرت فرمود :

«از میان شما آنکه نیرومند است ، ضعیف را یاری کند و آنکه بی نیاز است با نیازمندان مهربانی ورزد و هر یک از شما نسبت به دیگری فیرخواهی کند»<sup>۱۳</sup>

گفتنی است که دایره این همکاری و همیاری محدود به محیطی که در آن زندگی می کنند نیست بلکه خیر و نیکی منتظران به محیط های دورتر و نیازمندان شهرهای دیگر نیز می رسد زیرا که در پرتو روح انتظار هیچ جدایی و دوگانگی احساس نمی شود .

**چهارم -** افرادی که عضو جامعه منتظر هستند می باید جامعه را رنگ و بوی مهدوی بخشند و نام و یاد امام را در همه عرصه ها بلند کنند و گفتار و کردار امام را به عنوان سر آمد همه سخنان و شیوه ها به نمایش عمومی بگذارند و در این راه با همه وجود بکوشند که بدون تردید مورد عنایت و لطف ویژه امامان خواهند بود .  
عبدالحمید واسطی از یاران امام باقر (علیه السلام) می گوید :

«ما در انتظار امر فرخ همه زندگی خود را وقف کردیم به گونه ای که برای بعضی از ما مشکلاتی را به همراه داشته است» .  
امام در پاسخ او می فرماید :

«ای عبدالحمید ، آیا گمان می کنی که فداوند راه (هایی) از مشکلات را برای آن بنده ای که خود را وقف فداوند کرده باشد قرار نداده است ؟  
آری به فداوند قسم فداوند برای او راه چاره ای قرار خواهد داد . فداوند رحمت کند بنده ای را که (امر ولایت) ما را زنده دارد»<sup>۱۴</sup>

سخن آخر اینکه جامعه منتظر باید بکوشند که در همه ابعاد زندگی اجتماعی ، الگوی سایر اجتماعات باشند . و همه زمینه های لازم برای ظهور منجی موعود را فراهم کنند .

## برکات انتظار

بعضی گمان کرده اند که انتظار مصلح جهانی، افراد را در حالت سکون و بی تفاوتی قرار می دهد و آنها که منتظرند تا اصلاحگری جهانی قیام کند و فساد و تباهی را بردارد، خود در مقابل بدیها و پلیدی ها واکنشی نخواهند داشت بلکه ساکت و بی تفاوت، دست روی دست خواهند گذاشت و تماشاگر جنایت ها خواهند بود!!

ولی این نگاه، یک نگاه سطحی و به دور از اندیشه ودقت است. زیرا با توجه آنچه در تبیین حقیقت انتظار امام موعود و ویژگی های آن و نیز ابعاد انتظار و ویژگی های منتظران مطرح شد، روشن است که روحیه انتظار، آن هم با ویژگی های منحصر به فرد و جایگاه بی نظیر امام مهدی (علیه السلام) نه تنها سکون و سردی به دنبال ندارد بلکه بهترین عامل حرکت و پویایی است.

انتظار، در منظر غوغایی مبارک و حرکتی هدف دار، پدید می آورد و هر چه منتظر به حقیقت انتظار نزدیک تر شود، سرعت حرکت او به سوی مقصد پیشتر خواهد شد. در پرتو انتظار، آدمی از خود محوری رهایی می یابد و خود را جزئی از جامعه اسلامی می بیند، بنابر این می کوشد تا جامعه را در حد توان خود به صلاح و درستی نزدیک کند و وقتی جامعه ای از عناصری این چنین با هویت تشکیل یابد، اجتماعی جهت ترویج فضیلت ها پدید می آید و حرکت عمومی به سوی اقامه خوبی ها، شکل می گیرد و در چنین محیطی که محیط صلاح و سازندگی و فضای امید بخشی و نشاط و عرصه تلاش و همیاری و همکاری است، زمینه رشد باورهای دینی و بینش عمیق مهدوی در افراد جامعه پدید می آید و منتظران، که به برکت انتظار، در فساد محیط حل نشده اند بلکه هویت دینی و مرزهای اعتقادی خود را حفظ کرده اند، در برابر سختی ها و مشکلات دوران انتظار بردباری می کنند و به امید

تحقق وعده حتمی الهی، بلاها را به جان می نخرند و لحظه ای گرفتار سستی و یا ناامیدی نمی شوند.

به راستی کدام مکتب و مذهبی را می شناسید که برای پیروان خود چنین مسیر روشنی را ترسیم کرده باشد؟ امسیری که با انگیزه ای الهی پیموده می شود و در نهایت پاداشی بس بزرگ به ارمغان می آورد.

همه این آثار را می توان در یک کلمه جامع خلاصه کرد و آن کلمه «فرج» است. این تعبیر در یک حدیث شریف که از معارف جامع اما کوتاه اهل بیت (می آید، از حضرت زین العابدین (عیه السلام) نقل شده است.

«انتظارُ الفرجِ من أعظمِ الفرجِ»<sup>۱۵</sup>

انتظار فرج از بزرگترین فرجهاست.

همین بیان از امام صادق (عیه السلام) نیز روایت شده است:

«مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ، فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِإِنْتِظَارِهِ»<sup>۱۶</sup>

کسی که این امر (امامت و ظهور آن) را بشناسد، به سبب انتظار کشیدن آن،

برایش کشایش حاصل می شود.

منظور از کلمه «امر» در بسیاری از احادیث اهل بیت (علیهم السلام) امر امامت و ظهور آن است که با فرج امام عصر (عیه السلام) تجلی کامل می یابد. حدیث اول، تعبیر «انتظار فرج» و حدیث دوم «انتظار امر» را به کار برده اند و هر دو یک مصداق دارند.

به هر حال چنان که گفته شد مطابق فرمایش پیشوایان ما، غیر از فرج امام زمان (عیه السلام) که فرج نهایی همه اولیاء و انبیای الهی و مؤمنان است، هر شخص منتظری همین انتظارش برای او فرج می باشد. بلکه می توان گفت: «پس از فرج امام عصر علیه السلام که بزرگترین فرجها برای همه مؤمنان است، بالاترین فرج جزئی برای

شخص منتظر، همین انتظار اوست».

این عبارت ، بسیار عمیق و حاوی نکات بسیار مهمی است که به فضل الهی باید برای انسان روشن شود تا راه فرج خود را در زمان غیبت - قبل از ظهور - بشناسد. در یک جمله باید گفت قبل از ظهور امام زمان آن چیزی که مؤمن را از همه خطرات، نگرانی ها ، گمراهی ها و لغزش ها می رهااند، همین انتظار است .

وقتی «گرفتاری» دوران غیبت با تمام وجود درک شد و مفهوم «صحیح انتظار» با تمام «ویژگی ها» و «ابعاد» تبیین شد ، آنگاه این انتظار در روح ، جان و رفتار فرد و جامعه منتظر تجلی پیدا می کند و برکاتی بسیار بزرگ می آفریند ، در واقع این انتظار انسان و جامعه را به سوی هدف خلقت که همان معرفت، عبادت، قرب و لقاء الله است رهنمون می گردد .



## انتظار لحظه به لحظه

یکی از مباحثی که تأثیر زیادی در عمق معنای انتظار فرج امام عصر (علیه السلام) دارد، توجه به این واقعیت است که امر فرج ممکن است در هر روز یا هر شب بلکه در هر ساعت یا لحظه ای تحقق پیدا کند و در هیچ زمانی نمی توان نسبت به آن ناامید بود. پس انتظار فرج باید لحظه به لحظه باشد. و اگر این حقیقت را کسی با عمق وجودش باور کند، تأثیر زیادی در شدت انتظارش خواهد گذاشت و به طور کلی در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) از ظهور به عنوان یک امر دفعی و ناگهانی یاد شده است.

### اصلاح امر ظهور در یک شب

یک تعبیر وارد شده در این خصوص این است که خداوند امر فرج امام عصر علی (السلام) را یک شب اصلاح می فرماید. روایت ذیل از حضرت جواد ائمه (علیه السلام) می باشد:

« همانا خداوند تبارک و تعالی امر ظهور ایشان (حضرت مهدی (علیه السلام)) را در یک شب اصلاح می فرماید ، همانا طور که کار کلیم خود حضرت موسی (علیه السلام) را (یک شب) اصلاح فرمود ، آنگاه که برای به دست آوردن آتش برای اهل فویش رفت پس در حالی که پیامبر فرستاده شده بود ، بازگشت ... بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج می باشد .» تشبیهی که در این حدیث شریف به کار رفته است ، به روشنی بر مقصود دلالت می کند . داستان سخن گفتن پروردگار با حضرت موسی (علیه السلام) و در نتیجه پیامبر شدن ایشان ، در قرآن کریم ذکر شده است :

« وَ هَلْ أَتَىكَ حَدِيثُ مُوسَى إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى إِنِّي آنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى وَ آنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى :

و آیا داستان موسی را شنیده ای ؟ آنگاه که آتشی دید پس به اهل خود گفت : درنگ کنید. من آتشی دیدم . باشد که یا پاره ای از آن (برایتان بیاورم) یا به وسیله آن خبری از راه پیدا کنم . چون به آن رسید ، ندا داده شد که : ای موسی ، من پروردگار تو هستم . پای خود را برهنه کن ؛ که تو در بیابان مقدس طوی هستی . و من تو را برگزیدم . پس به آنچه همی می شود گوش فرا ده.»<sup>۲</sup>

وقتی حضرت موسی (علیه السلام) در بیابان تاریک همراه خانواده خود راه را گم کرده بودند ، از دور آتشی مشاهده کرد و طبق بیان قرآن به سوی آن رفت که یا چیزی از آن آتش برای خانواده اش و یا خبری از راهی که گم کرده بودند به دست آورد. وجه شباهت اصلاح ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) با اصلاح امر نبوت و رسالت حضرت موسی (علیه السلام) در همین مطلب است که از آن به «اصلاح امر در یک شب» تعبیر شده است . اگر انسان مؤمن این حقیقت را عمیقاً باور کند ، آنگاه انتظار فرج امام (علیه السلام) برایش بسیار بسیار جدی و ملموس خواهد شد . چون در هر زمانی وقوع فرج را ممکن و عملی می بیند و در هیچ شرایطی از تحقق آن ناامید

نخواهد بود. به همین جهت حضرت (علیه السلام) پس از تشبیه فوق فرموده اند که:

«بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج می باشد.»

در حدیث دیگری همین مطلب با مقدمه زیبایی توسط امام صادق (علیه السلام) ذکر

شده است:

«به چیزی که امید (وقوعش را) نداری از آنچه امید (وقوعش را) داری، امیدوارتر باش! همانا حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) رفت تا برای اهل خود آتشی به دست آورد، پس در حالی که پیامبر فرستاده شده بود، به سوی ایشان بازگشت. پس خداوند کار بنده و پیامبرش موسی (علیه السلام) را در یک شب اصلاح فرمود. و خداوند تبارک و تعالی در مورد حضرت قائم امام دوازدهم (علیه السلام) نیز چنین می فرماید، همان طور که کار پیامبرش موسی (علیه السلام) را اصلاح کرد، و ایشان را از هیزت و غیبت به سوی روشنائی فرج و ظهور در می آورد.»<sup>۱</sup>

انسان گاهی بر حسب قرائن ظاهری به انجام چیزی امید می بندد یا اینکه روی همان قرائن از وقوع چیزی ناامید است. آنچه این حدیث شریف می آموزد این است که فرد مؤمن اگر امیدش به فرج الهی است، باید به وقوع اموری که روی حساب های عادی از انجامش ناامید است امیدوارتر باشد تا چیزهایی که بر حسب زمینه های عادی به آن امید بسته است. مثالی که برای این قاعده کلی بیان فرموده اند همان پیامبر شدن حضرت موسی (علیه السلام) است. ایشان بر اساس قرائن ظاهری و نشانه های عادی، امید به کلیم الله شدن نداشت و روی این امر حسابی نکرده بود؛ اما وقتی برای فراهم آوردن آتش به سوی آن رفت، پیامبر برگزیده الهی شد. خدای متعال در مورد امام زمان (علیه السلام) هم این گونه عمل خواهد کرد و ایشان را در وقتی که هلی الظاهر امیدی به قیامشان نیست، ظاهر خواهد فرمود. خود حضرت ولی عصر (علیه السلام) در

توقیع مبارک جناب شیخ مفید فرموده اند:

«فَإِنَّ أَمْرَنَا يَبْعَثُهُ فِجَاءً؛<sup>۲</sup>

فداوند کار ما را به طور ناگهانی برمی انگیزد. »

در حدیث دیگری امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل فرموده اند که وقتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پرسیدند که قیام کننده از فرزندان شما چه وقت ظهور می کند، حضرت در پاسخ فرمودند:

«مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ... لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»<sup>۵</sup>

ظهور همچون قیامت است که آن را در زمان خاص خودش فقط فداوند ظاهر می سازد... جز این نیست که به طور ناگهانی برایتان رخ می دهد.

تعبیر «فجأة» و «بغته» در این دو حدیث شریف بر یک معنای صریح دلالت می کند که ظهور امری ناگهانی است، پس هر صبح و شام بلکه هر لحظه می بایست امید ظهور داشت.

### آثار نزدیک دانستن ظهور

ابتدا زمان ظهور امام (علیه السلام) را بسیار بسیار نزدیک فرض می کنیم تا ببینیم این اعتقاد وجداناً چه آثاری درمنتظر ظهور می گذارد.

اگر به ما گفته شود که امام زمانتان قطعاً تا فردا ظهور می فرماید و ما به درستی این خبر یقین کنیم، در این یک روز، زندگی ما چگونه خواهد بود؟  
هر کس می تواند با مراجعه به وجدان خود، این سؤال را پاسخ بدهد.  
در درجه اول می توان گفت که:

در این روز، بیش از هر چیز و هر کس، یاد امام زمان (علیه السلام) و ظهور ایشان، دلهای ما را پر می کند و آنقدر که به فکر ایشان خوانیم بود، فکر دیگری ما را مشغول نخواهد کرد. علاوه بر این، قطعاً در این یک روزه کاری که خدا و امام زمان (علیه السلام) را ناخشنود می سازد، انجام نمی دهیم و اگر خطایی و گناهی از ما سر زده است، در

این فاصله ، همه همت خود را برای توبه و جبران آن به کار می بندیم .

اگر حقی از دیگران بر عهده ما باقی مانده یا ظلمی در حق کسی مرتکب شده‌ایم، به سرعت در جهت حلالیت طلبی اقدام می کنیم . و اگر عهد و پیمانی با امام خود بسته بودیم اما در عمل به آن پای بند نبوده ایم ، در این یک روز ، کمال سعی خود را انجام می دهیم تا به آن عمل کنیم .

عبادت های ما نیز در این فاصله ، معنویت و اخلاص بیشتری پیدا می کند؛ نمازهای ما در این یک روز با گذشته تفاوت خواهد کرد و با حضور قلب بیشتری خواهد بود . در این مدت کم ، محال است که بیش از حد ضرورت و اضطرار ، عمر خود را صرف امر دنیوی کنیم . نه تنها فکر انجام دادن گناه به ذهنمان خطور نمی کند، بلکه حتی دریغمان می آید که در این یک روز به امور مباح پردازیم .

همه تلاشمان این است که از این مدت کم ، بیشترین استفاده را در جهت کسب رضای خداوند و جلب خاطر مبارک امام (علیه السلام) ببریم . بالاترین نگرانی ما این است که نکند وقتی حضرتش تشریف می آورند توجهی به ما نکنند یا خدای ناکرده از ما روی بگردانند، و برای اینکه چنین حالتی پیش نیاید ، سعی می کنیم خود را طوری مهیا بسازیم که شایسته استقبال از آن بزرگوار باشیم .

بالاترین آرزوی ما این است که در مواجهه با حضرت ، شاهد لبخند رضایت ایشان به روی خود باشیم و اینکه خطاب به ما بفرمایند : احسبتم بارک الله در غیاب من به وظایف خود خوب عمل کردید ، من از شما سپاسگزار هستم.

علاوه بر همه اینها در آرزوی یاری ایشای برای انجام اهداف مقدسشان لحظه شماری می کنیم ؛ با خود می گوئیم آنچه را عمری در آرزویش بودیم و با امید وصالش زندگی گذرانندیم ، یکه روز دیگر با چشمان خویش شاهد خواهیم بود و چه شیرین است آن لحظات !

آنچه را برای یاری کردن ایشان از قبل آماده کرده ایم، نزد خود حاضر می‌کنیم و سعی کنیم تمام شرایط و زمینه‌ها را برای آنکه به حضرتش پیوندیم و جزء بهترین یاوران ایشان باشیم، در خود فراهم آوریم. خدای را شکر می‌کنیم که زنده ایم و سالم و ان شاء الله تا یک روز دیگر همه امکانات مالی، آبرویی، زندگی و هستی خود را فدای قدم محبوب عزیزتر از جان خود خواهیم کرد.

آنگاه از خود می‌گذریم و سراغ سایر مؤمنان می‌رویم و آنها را هم مانند خود آماده استقبال و همراهی با امامشان می‌کنیم. اگر ببینیم که بعضی از آنها اشتیاق و علاقه‌ای به این موضوع از خود نشان نمی‌دهند، با دلسوزی و از سر شفقت و مهربانی سعی می‌کنیم تا آنها را آگاه سازیم و دریغمان می‌آید که چنین فرصت طلایی و استثنایی را از دست بدهند. دل‌مان می‌آید که فردا وقتی خورشید امام (ع) طلوع می‌کند، عده‌ای، خود را در پیغوله‌های تنگ و تاریک پنهان کنند و دانسته یا ندانسته از گرما و روشنایی خورشید بی‌بهره بمانند.

به طور خلاصه سعی می‌کنیم سوز انتظاری که خداوند سر سوزنی از آن را به ما ارزانی داشته، در حد توان به سایر مؤمنان هم سرایت دهیم؛ به این امید که آتش اشتیاقی که به لطف خدا و عنایت امام (ع) خرمین وجود ما را فراگرفته، غافلان را هم فراگیرد و در نتیجه همگی با هم به استقبال و یاری عزیز فاطمه (علیها السلام) بشتابیم. همه عاشقان و شیفتگان آن دردانه هستی را دور هم جمع می‌کنیم و به ایشان می‌گوییم: بیاید خدا را صدها مرتبه شکر کنیم که زمان دعا برای تعجیل فرج تا یک روز دیگر به سر می‌آید.

همه آنچه بیان شد بنابراین بود که ما به ظهور حضرت تا بیست و چهار ساعت آینده یقین داشته باشیم؛ اما این فاصله زمانی، هر قدر طولانی‌تر گردد، شور و حرارت قبلی کمتر خواهد شد و بیشتر به سردی می‌گراید. مثلاً اگر به جای یک روز

، مطمئن شویم که ایشان یک هفته دیگر ظهور خواهند فرمود تقریباً همه حالاتی که گفتیم برای انسان خواهد بود اما با قدری شور و حرارت کمتر، یعنی چشم به راهی ما شدت کمتری پیدا می کند و همین تفاوت در شدت و ضعف انتظار، منشا تفاوت هایی در رفتار ما خواهد شد. مثلاً اگر در آن یک روز می توانستیم بگوییم قطعاً خواب به چشمان ما نخواهد آمد، در این یک هفته چنین نیست و آن دلشوره و هیجان قلبی را در این فرض جدید نداریم. یا اینکه در آن یک روز یقیناً عمر خود را صرف کارهای بیهوده و حتی تفریحی نمی کنیم، اما در این یک هفته شاید دقایقی یا ساعاتی را به بطالت بگذرانیم. در مجموع آن دقت و تلاشی که در فرض اول برای استفاده بهتر و کاملتر از فرصت باقیمانده به خرج می دهیم، در فرض بعدی به آن شدت نخواهد بود.

حال اگر یک هفته به یک ماه تبدیل شود و درحقیقت، اطمینان پیدا کنیم که قبل از یک ماه دیگر حضرتش ظهور نمی فرمایند، در این صورت شور و اشتیاق ما در انتظار، کمتر و ضعیف تر می گردد و در نتیجه همه آنچه بیان شد، سست تر و کمرنگ تر می شود. در این فرض احتمال اینکه اوقات بیشتری از عمر گرانقدر خود را تلف کنیم و فرصت را از دست بدهیم، بسیار بیشتر از فرض قبلی است. اگر در آن یک روز و یک هفته فقط در حد نیاز ضروری به امور دنیوی و مادی می پرداختیم، در این یک ماه آنقدر برایمان اهمیت ندارد که مقداری از فرصت باقیمانده تا ظهور مولایمان را از دست بدهیم. اگر در آن یک هفته برای جبران حقوق دیگران بوده، شتاب می کردیم، در این یک ماه خیلی عجله نمی کنیم و کار امروز را به فردا و پس فردا می اندازیم. اگر نمازها و سایر عبادت های ما در آن یک هفته، حال و صفای فوق العاده داشت، در این یکماه به آن اندازه حضور قلب ندارد و....

به طور کلی هر چه فاصله خود را با ظهور بیشتر بدانیم، این آثار و نشانه ها به

تدریج کم رنگ تر می شود. به همین دلیل اگر این فاصله از یک ماه به یک سال برسد، معمولاً آثار کمتری ظهور و بروز خواهد کرد. قطعاً غفلت عموم مؤمنان در این حالت بیشتر خواهد بود و چه بسا ساعتها یا روزهایا حتی هفته ها با فراموشی یاد ایشان بگذرد ولی با این وجود هیچگونه احساس ضرر و زیان هم نکنند. آن شور و حرارت و هیجان در فرض های قبلی، در این فرض بسیار ضعیف تر خواهد شد و عمل به وظایف یک منتظر واقعی سست تر می گردد.

بنابر این اعتقاد و توجه همیشگی به «ظهورناگهانی» به گونه ای که این حالت در روح آدمی رسوخ نماید و انسان هر لحظه خود را در آستانه ظهور ببیند در تحقق انتظار پویا دارای نقشی بی بدیل خواهد بود.



## پی‌نوشت‌ها

۱. انفجارهای ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱ م) در برج‌های ۱۱۰ طبقه سازمان تجارت جهانی و وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون)
۲. احزاب / ۶۲
۳. انفال / ۶۰
۴. «الف، لام، میم، آیا مردم پنداشته‌اند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟»، عنکبوت / ۲
۵. الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۶۱
۶. همان
۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶
۸. بحار، ج ۱۰، ص ۱۰۴
۹. بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۲
۱۰. بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۳
۱۱. همان، ص ۱۴۵
۱۲. همان، ص ۱۲۵
۱۳. همان
۱۴. توفیق شریفه خطاب به شیخ مفید، بحار، ج ۵۳، ص ۱۷۷
۱۵. شوق مهدی (علیه السلام)، ص ۷۹
۱۶. علامه حسن زاده آملی
۱۷. بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۲
۱۸. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ح ۴۶، ص ۲۵۲
۱۹. کمال الدین، ج ۱، ح ۱۵، ص ۶۰۲
۲۰. غیبت نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۰
۲۱. بقره / ۱۳۸
۲۲. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۳، ح ۱۲، ص ۱۷۱
۲۳. اصول کافی ۱ / باب ۸۴، ح ۵، ص ۴۳۳

۲۴. غیبت نعمانی ، باب ۱۰ ، فصل ۳ ، ح ۶ ، ص ۱۷۰<sup>۱</sup>
۲۵. کمال الدین ، ج ۱ ، باب ۲۵ ، ح ۳ ، ص ۵۳۵
۲۶. بحار الانوار ، ج ۵۳ ، ص ۱۷۷
۲۷. غیبت نعمانی ، باب ۱۱ ، ح ۱۶ ، ص ۲۰۷
۲۸. کمال الدین ، ج ۲ ، باب ۴۵ ، ح ۴ ، ص ۲۳۷<sup>۱</sup>
۲۹. مفاتیح الجنان ، دعای ندبه
۳۰. مفاتیح الجنان ، دعای عهد
۳۱. احتجاج ، ج ۲ ، ش ۲۶۰ ، ص ۶۰۰
۳۲. کمال الدین ، ج ۱ ، باب ۲۵ ، ح ۲ ، ص ۵۳۵
۳۳. دلائل النبوة ، ج ۲ ، ص ۵۱۳
۳۴. بحال الانوار ، ج ۵۲ ، ح ۵ ، ص ۱۲۳
۳۵. همان ، ج ۱۶ ، ص ۱۲۶<sup>۱</sup>
۳۶. بحار ، ج ۲ ، ص ۱۲۲ ، حدیث چهارم
۳۷. اصول کافی ، کتاب العجة ، باب انه من عرف امامه ... ، ح ۳
۳۸. کمال الدین ، باب ۳۶ ، ح ۱
۳۹. طه / ۹-۱۳
۴۰. کمال الدین ، باب ۶ - انتهای ح ۱۳
۴۱. احتجاج طبرسی ، ج ۲ ، ص ۳۲۴
۴۲. کمال الدین ، باب ۳۵ ، ح ۶